

اثربخشی آموزش برنامه فرزندپروری مثبت بر ارتباط والدین با کودک آهسته گام

فاطمه طاهری^۱

علی اکبر ارجمندنیا^{۲*}

غلامعلی افروز^۳

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی اثربخشی آموزش برنامه فرزندپروری مثبت بر ارتباط والدین با کودک آهسته گام خویش بود. پژوهش حاضر، یک مطالعه شبه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون و گروه کنترل است. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه والدین دانش‌آموزان آهسته گام مشغول به تحصیل در مقطع ابتدایی در سال ۱۳۹۴-۱۳۹۳ شهر سمنان بود و نمونه این پژوهش، ۳۰ زوج از والدین دانش‌آموزان آهسته گام بودند که با روش نمونه‌گیری در دسترس از مدارس شهر سمنان انتخاب شدند و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. گروه آزمایشی در ۸ جلسه آموزشی برنامه فرزندپروری مثبت (هر هفته یک جلسه و هر جلسه ۹۰ دقیقه) شرکت کردند؛ در حالی که به گروه کنترل هیچ آموزشی ارائه نشد. ابزار استفاده در این پژوهش پرسشنامه جمعیت‌شناختی و مقیاس رابطه والد-کودک پیاننا (۱۹۹۴) بود. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل کوواریانس چند متغیری با به‌کارگیری نرم‌افزار SPSS (نسخه ۲۲) تجزیه و تحلیل شد. یافته‌ها حاکی از تفاوت معنادار نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون ($p < 0/05$) بود. می‌توان نتیجه گرفت برنامه فرزند پروری مثبت باعث بهبود روابط والدین و فرزند می‌شود.

کلید واژه‌ها

تعامل والد-کودک، برنامه فرزندپروری مثبت، کودک آهسته گام.

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. نویسنده مسئول: دانشیار گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. استاد ممتاز گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه

یکی از عوامل مهم در ایجاد و گسترش تسهیلات آموزش و پرورش کودکان استثنایی، توسعه اطلاعات و آگاهی روز افزون و احساس مسئولیت مادران و پدران نسبت به این کودکان است. در میان کودکان استثنایی، کودکان آهسته گام به واسطه پیچیدگی خاص پدیده هوش و کم توانی جایگاه قابل ملاحظه‌ای دارند. در این راستا، باید والدین با توجه به رهنمودهای متخصصان، فعالیت‌های مستمری در زمینه تعلیم و تربیت کودک خود داشته باشند (افروز، ۱۳۸۸)؛ زیرا تولد کودک آهسته گام در هر خانواده‌ای می‌تواند رویداد چالش‌زا تلقی شود که احتمالاً تیدگی، سرخوردگی، احساس غم و نومیدی را به دنبال خواهد داشت (خمیس^۱، ۲۰۰۷). وجود فرزند آهسته گام، تأثیر نامطلوبی بر عملکرد خانواده می‌گذارد (آبکنار، عاشوری و افروز، ۱۳۹۲)؛ چرا که با تأثیر بر کمیت و کیفیت روابط زوجین و تعامل اعضای خانواده می‌تواند به عملکرد خانواده آسیب برساند (به پژوه، ۱۳۹۱). خانواده‌ای که کودک آهسته گام دارد، خرده نظام‌های والدینی، زناشویی، خواهر و برادری تحت تأثیر قرار می‌گیرد و موجب فشار بیشتری در درون نظام می‌شود. کودک آهسته گام کل خانواده را در معرض خطر افزایش عواقب و تجارب منفی قرار می‌دهد. اختلال کم‌توانی ذهنی به طور متقابل، هم کودک و هم والدین را تحت تأثیر قرار می‌دهد (بلاچر و بیکر^۲، ۲۰۰۷). از طرفی روابط والدین و فرزندان بر کیفیت زندگی خانواده اصلی اساسی برای سلامت کودکان است (بهرام آبادی، زهراکار، بروجردی و محمدی فر، ۱۳۹۲) و از آن جایی که دوران کودکی از مهم‌ترین مراحل زندگی است که در آن شخصیت فرد پایه‌ریزی می‌شود. والدین و هم چنین رابطه والد-کودک از مهم‌ترین عوامل بر رشد روانی اجتماعی هر کودکی محسوب می‌شود (خدابخشی کولایی، شاهی، نویدیان و مصلی نژاد، ۲۰۱۵). تعامل والد-کودک یک پدیده پیچیده و چند بعدی است و در اثر تعامل عوامل کلیدی متعددی از قبیل نگرش و میزان پذیرش والدین، نحوه مدیریت و کنترل رفتار، حس شایستگی اجتماعی و خویششننداری، میزان دانش و مهارت فرزندپروری، اعتماد به نفس و خوش فکری والدین در تربیت کودک و ایجاد محیطی با حداقل تعارض، کیفیت روابط والد-کودک و مراقب عاطفی

مادر از کودک شکل می‌گیرد (تجربیشی، عاشوری، افروز، ارجمندیا و غباری بناب، ۱۳۹۴).
معتبرترین برنامه موجود در زمینه توانمندسازی والدین به مهارت‌های فرزندپروری، برنامه فرزندپروری مثبت (فرزندپروری مثبت^۳) است. برنامه فرزندپروری مثبت برنامه جدید و جهان شمولی درباره فرزندپروری است که باعث ایجاد رابطه مثبت بین والدین و فرزندان می‌شود و کمک می‌کند تا والدین راهبردهای مؤثر مدیریت را در برخورد با انواع مسائل رشدی و رفتاری کودک بیاموزند، برنامه ساده‌ای که می‌تواند تغییرات بزرگی در خانواده‌ها ایجاد کند و به والدین کمک کند تا دریابند که وقتی به روش‌های جدیدی حرف بزنند، فکر کنند و عمل کنند، نتایج بهتری در خانواده خواهد داشت (ساندرز^۴، ۲۰۰۵). برنامه فرزندپروری مثبت یکی از روش‌های آموزش والدین است که بر اساس رفتار درمانگری‌های خانوادگی مبتنی بر اصول یادگیری اجتماعی بندورا است (ترنر، ساندرز و مارکی ددز^۵، ۲۰۰۲). این برنامه بر حسب شدت و قدرت مداخله، در پنج سطح و برای والدین کودکان و نوجوانان و از بدو تولد تا شانزده سالگی تدوین شده است (تجربیشی و همکاران، ۱۳۹۴). فرزندپروری مثبت شامل این موارد است: محیطی امن، تقویت رفتار مثبت، ایجاد محیط مثبت یادگیری، داشتن انتظارات واقع‌گرایانه و مراقبت از خود به عنوان والد (ساندرز، ۲۰۱۲). بهبود کیفیت تعامل والد-کودک یک روش مبتنی بر شواهد برای کاهش رفتارهای نامناسب کودک و بهبود مدیریت رفتار والدین است (شپریس، شپریس، مونساکس، داویس و لویز^۶، ۲۰۱۵). هدف اصلی از بهبود کیفیت تعامل والد کودک، کاهش مشکلات رفتاری و افزایش رفتارهای موافق اجتماعی، بهبود مهارت‌های فرزندپروری از جمله نظم و کاهش استرس و تنیدگی والدینی است (داموداران^۷، ۲۰۱۳). همان‌طور که اشاره شد کیفیت تعامل والد-کودک با تأثیر بر اختلالات رفتاری و عملکرد اجرایی کودکان در تقویت و افزایش اعتماد به نفس آن‌ها مهم و اساسی است (شپریس و همکاران، ۲۰۱۵).

3. Positive Parenting Program

4. Sanders

5. Turner, Sanders and Markie-Dadds.

6. Sheperis, Monceaux, Davis and Lopes

7. Damodaran

1. Khamis

2. Blacher and Baker

عدم استفاده از مکانیزم‌های حل مسئله در مواجهه با مشکلات است (محمد خان کرمانشاهی، ونکی، احمدی، آزاد فلاح و کاظم نژاد، ۱۳۸۵). از این رو، با توجه به آموزش خانواده، مشاوره خانواده، توانبخشی خانواده، خانواده درمانی و مطالعه وضعیت و موقعیت کودک استثنایی با نیازهای ویژه در خانواده همواره به عنوان راهبردهای پیشگیری معرفی می‌شوند. در حال حاضر، نقش خانواده در آموزش و درمان کودکان استثنایی، نقشی بی‌بدیل و منحصر به فرد محسوب می‌شود و برنامه‌های مداخله‌ای خانواده محور، جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است. بنابراین، آموزش خانواده به ویژه خانواده‌هایی که فرزند ویژه دارند، به طور مضاعف احساس می‌شود (به‌پژوه، ۱۳۹۱).

با توجه به پژوهش‌های انجام شده در زمینه اثربخشی آموزش شیوه‌های فرزندپروری مثبت بر تعامل والد-کودک، پژوهش داخلی یا خارجی یافت نشد که اثربخشی این برنامه مداخلاتی بر تعامل والدین به خصوص پدر با کودک آهسته گام را بررسی کرده و در دسترس خوانندگان باشد. بنابراین، مطالعه حاضر با توجه به درک مسئله و به منظور پر کردن خلاء پژوهشی، گام دشواری به سوی آموزش شیوه‌های فرزندپروری به پدران و مادران دارای کودک آهسته گام برداشت. با توجه به آن چه از نظر گذشت، نیاز به برنامه‌ای جامع با هدف آموزش والدین در جهت ارتقاء مهارت‌های فرزندپروری احساس می‌شود، برنامه‌ای که بتواند با بهبود روش‌های تربیتی والدین به افزایش و ایجاد روابط سالم و رضایت بخش برای اعضای خانواده منجر شود. از این رو، پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی آموزش شیوه‌های فرزندپروری بر ساختار تعاملی والد-کودک کودکان آهسته گام انجام شد.

روش

در این پژوهش که از نوع مطالعات شبه آزمایشی است، از طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل استفاده شد و جامعه آماری این پژوهش را کلیه والدین کودکان آهسته گام مشغول به تحصیل در مدارس استثنایی مقطع ابتدایی شهر سمنان در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۴ تشکیل دادند و ۳۰ زوج با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس از مدارس استثنایی پسرانه امید نجات، مختلط بشارت و دخترانه مهرورزان، پس از اخذ رضایت آگاهانه و بررسی ملاک‌های ورود و خروج وارد پژوهش شدند و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بودند

از لحاظ پیشینه پژوهشی نیز اثربخشی برنامه فرزندپروری مثبت در مطالعات مختلفی تأیید شده است. شاین^۱ (۲۰۱۳) استفاده از این برنامه را برای بهبود ارتباط والد-کودک و کاهش مشکلات ارتباطی بین والدین و کودکان مناسب شمرد و به‌علاوه پیشرفت در مهارت‌های فرزندپروری، بهبود رفتاری کودک و ارتقاء رابطه والد-کودک از نتایج مطالعه هولدینگ، اسمیت، استرن، جامسون و بورگ^۲ (۲۰۱۲) بود. همچنین پژوهشگران معتقدند آموزش برنامه فرزندپروری مثبت در کاهش تنیدگی والدینی مادران آسیب دیده شنوایی مؤثر بوده است (علی‌اکبری دهکردی، کاکوجویاری، محتشمی و یکدله پور، ۱۳۹۳). عابدی شاپورآبادی، تجریشی، محمد خانی و فرضی (۱۳۹۱) در پژوهشی اثربخشی برنامه گروهی فرزندپروری مثبت بر روابط مادر-کودک را در کودکان دارای اختلال نارسایی توجه و بیش‌فعالی بررسی کردند، نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که اجرای برنامه گروهی فرزندپروری مثبت به کاهش معنادار تعارض و وابستگی و افزایش نزدیکی در مادران و به طور کلی، موجب بهبود رابطه مادر-کودک منجر می‌شود (عاشوری، افروز، ارجمندنیا و تجریشی، ۱۳۹۴)؛ همچنین باعث کاهش مشکلات عاطفی و رفتاری دوران کودکی و ترویج مهارت‌های والدینی و افزایش دانش و اعتماد به نفس کودکان می‌شود (واکیمیز^۳، ۲۰۱۴).

از آنجا که در موارد بسیاری، والدین کودکان آهسته گام در به‌کارگیری مهارت‌های مورد نیاز ناتوان هستند؛ برنامه‌ریزی آموزشی که استفاده از این آموزش‌ها را در برگیرد، می‌تواند بر تعامل والد-کودک دارای کودک آهسته گام نقش مهمی ایفا کرده و اهمیت مسئله را بیش از پیش آشکار کند. از طرف دیگر، احتمال می‌رود والدین کودکان آهسته گام در تعامل با فرزندان خود با مشکلات نسبتاً زیادی مواجه شوند و این مشکلات با شیوه فرزندپروری آن‌ها ارتباط بسیار نزدیکی داشته باشد. بنابراین، ضرورت به‌کارگیری آموزش شیوه‌های فرزندپروری بر تعامل والدین با کودک آهسته گام احساس می‌شود و یکی از مسائل مهم که والدین کودکان کم‌توان ذهنی تجربه می‌کنند، عدم توانمندی در مدیریت خود و کودک، عدم توانمندی در برقراری ارتباط اثربخش با کودک و دیگران (تنبیه بدنی، ملاحظه بیش از حد دیگران و ایزوله کردن خود و کودک)،

1. Shinn
2. Houlding, Schmidt, Stern, Jamieson and Borg
3. Wakimizu

از: ۱) قطعی بودن تشخیص کودک آهسته گام با توجه به تحصیل در مدارس استثنایی؛ ۲) توانایی خواندن و نوشتن والدین؛ ۳) غیر مطلقه بودن زوجین و ۴) اخذ رضایت آگاهانه. همچنین ملاک‌های خروج عبارت بودند از: ۱) وجود اختلافات حاد خانوادگی بین زوجین؛ ۲) غیبت بیش از دو جلسه در فرایند آموزش و ۳) عدم انجام تکالیف محوله.

برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزارهای زیر استفاده شد.

الف) پرسشنامه جمعیت‌شناختی: این پرسشنامه برای کسب اطلاعات جمعیت‌شناختی نظیر سن کودک، درجه کم‌توانی ذهنی کودک، جنسیت والد، سن والد، وضعیت اشتغال والد و میزان در آمد خانوادگی تهیه شده بود.

ب) مقیاس رابطه والد-کودک^۱: این مقیاس را پانتا^۲ برای اولین بار در سال ۱۹۹۴ طراحی کرد و شامل ۳۳ ماده است که ادراک والدین را درباره رابطه با کودک می‌سنجد. این مقیاس، شامل حوزه‌های تعارض، نزدیکی، وابستگی و رابطه مثبت کلی (مجموع تمام حوزه‌ها) است. مقیاس رابطه والد-کودک یک پرسشنامه خودگزارش‌دهی است و نمره‌گذاری آن بر اساس مقیاس لیکرت (از نمره ۱ قطعاً صدق نمی‌کند تا نمره ۵ قطعاً صدق می‌کند) است. این مقیاس برای سنجش رابطه والد-کودک در تمام سنین استفاده شده است (تجربیشی و همکاران، ۱۳۹۴). این پرسشنامه را طهماسیان در سال ۱۳۸۶، ترجمه کرده است و روایی محتوایی آن را نیز متخصصان، مطلوب گزارش کرده‌اند. ابارشی، طهماسیان، مظاهری و پناغی (۱۳۸۸) پایایی این پرسشنامه را از طریق آلفای کرونباخ به دست آوردند. پایایی حوزه‌های تعارض، نزدیکی، وابستگی و رابطه مثبت کلی به ترتیب ۰/۷۰/۸۴، ۰/۷۰/۶۱ و ۰/۸۶ گزارش شده است. در یسکول و پانتا (۲۰۱۱) در پژوهشی آلفای کرونباخ این پرسشنامه را در هر یک از مؤلفه‌های تعارض، نزدیکی، وابستگی و رابطه مثبت کلی به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۷۴، ۰/۸۰/۶۹ گزارش کرده‌اند. این مقیاس حوزه‌های تعارض (۱۷ ماده)، نزدیکی (۱۰ ماده)، وابستگی (۶ ماده) و رابطه مثبت کلی (مجموع تمامی حوزه‌ها) را شامل می‌شود که هر کدام به ترتیب با ضرایب آلفای کرونباخ ۰/۸۴، ۰/۶۹، ۰/۴۶ و ۰/۸۰ است. در این پرسشنامه، نمرات بالا در هر خرده مقیاس نشان از رابطه مثبت بین والد-کودک است.

این پرسشنامه را والدین (پدر و مادر) تکمیل کردند.

در اولین مرحله پژوهش پس از انتخاب آزمودنی، به منظور

رعایت نکات اخلاقی پژوهش، اهمیت و ضرورت و اهداف پژوهش حاضر در جلسه توجیهی برای پدران و مادران دانش‌آموزان آهسته گام مطرح و از آن‌ها خواسته شد تا رضایت‌نامه کتبی برای شرکت در پژوهش را تکمیل کنند. برای ارزیابی تعامل والدین (پدر و مادر) با کودک آهسته گام از مقیاس والد-کودک پانتا به عنوان پیش‌آزمون استفاده شد که پدر و مادر به صورت جداگانه یک نسخه را تکمیل کردند. سپس آزمودنی‌ها به صورت تصادفی در یکی از گروه‌های آزمایش و کنترل جایگزین شدند. به طوری که اعضای هر گروه ۱۵ زوج (۳۰ نفر) بودند. گروه آزمایش در ۸ جلسه آموزشی (هفته‌ای یک جلسه و هر جلسه ۹۰ دقیقه) در برنامه فرزندپروری مثبت شرکت کردند. یک متخصص (کارشناسی ارشد روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی و مدرک دکترای روان‌شناسی عمومی) در مدرسه استثنایی به والدین آموزش داد. برنامه فرزندپروری مثبت، درباره فرزندپروری و با رویکرد پیش‌گیرانه و حمایتی نسبت به خانواده‌ها بوده است. این برنامه بر پایه مدل یادگیری اجتماعی تعامل والد-کودک استوار است و ماهیت دو سویه و دو جانبه تعاملات والد-کودک را مشخص می‌کند که ساندرز و همکاران در دانشگاه کوئینزلند^۳ در استرالیا آن را تدوین کرده‌اند (ساندرز، ۲۰۰۳-الف). هدف از این برنامه، پیشگیری از بروز اختلالات رفتاری، رشدی، عاطفی در کودکان از طریق بالا بردن سطح دانش، مهارت‌ها و اعتماد به نفس والدین است (ساندرز، ۲۰۰۳-ب). برنامه فرزندپروری مثبت با دادن اطلاعاتی درباره اختلال، آموزش چگونگی رابطه والد-کودک و مهارت‌های فرزندپروری می‌تواند در راستای کاهش مشکلات شدید رفتاری و هیجانی کودک و ارتقاء کیفیت روابط والد-کودک توصیه و تصریح شود. این برنامه به والدین راهبردهای عملی و مؤثر پرورش مهارت‌های اجتماعی و زبانی کودک، خودتنظیمی هیجانی، استقلال و قابلیت حل مسئله را می‌آموزد. دستیابی به این مهارت‌ها نیز سبب ارتقاء هماهنگی خانواده، کاهش تعارض کودک برای کامیابی تحصیلی می‌شود (ساندرز، مک فارلند، ۲۰۰۶؛ ساندرز و پریتنز، ۲۰۰۵؛ ساندرز، پیسگان، گراوساک، کانرز، برون و یانگ^۴، ۲۰۰۴).

محتوای جلسات آموزشی به تفکیک جلسات در جدول (۱) آمده است.

3. Queensland

4. Sanders, Pidgeon, Gravesock, Connors, Brown and Young

1. Parent Child Relationship Scale (Pcrs)

2. Pianta

جدول ۱. برنامه مداخله به تفکیک جلسات

جلسه	هدف	محتوی	ارزشیابی
اول	شیوه‌های فرزندپروری و فرزندپروری مثبت	آشنایی با شیوه‌های فرزندپروری مثبت، بحث درباره روابط والد-کودک و علل مشکلات شایع در کودکان آهسته گام، مشاهده و پیگیری رفتار کودک توسط والدین و تعیین اهداف مشخص برای تغییر رفتار	توانمندی پاسخ به سؤالات
دوم	ارتقاء تحول	آموزش راهبردهای ارتباط مثبت با کودک (سخن گفتن، ابراز احساسات، اختصاص زمان برای ابراز وجود کودک، تمرین و ایفای نقش والدین در گروه‌های کوچک)، آشنا شدن با اهمیت نقش پدر در تربیت فرزند	ارزیابی تکالیف جلسه قبل توانمندی پاسخ به سؤالات در مورد موضوع مطرح شده
سوم	ارتقاء تحول	آموزش راهبردهای اتقاقی، فنون پرسیدن، گفتن و انجام دادن برای یادگیری رفتارها و مهارت‌های جدید به کودک.	ارزیابی تکالیف جلسه قبل - توانمندی پاسخ به سؤالات در مورد موضوع مطرح شده
چهارم	مدیریت رفتار کارآمد	بحث درباره انواع تقویت‌کننده‌ها، آشنایی با اصول و چگونگی به کارگیری آنها	ارزیابی تکالیف جلسه قبل - توانمندی پاسخ به سؤالات در باره موضوع مطرح شده
پنجم	مدیریت رفتار کارآمد	آموزش راهبردهای افزایش رفتارهای مطلوب (تحسین کلامی و غیر کلامی، اقتصاد ژتونی) فراهم کردن فعالیت‌های جذاب	ارزیابی تکالیف جلسه قبل - توانمندی پاسخ به سؤالات درباره موضوع مطرح شده
ششم	مدیریت رفتار ناکارآمد	معرفی روش‌های گوناگون تنبیه مثبت و منفی، آشنایی با اصول و چگونگی به کارگیری آنها، معرفی پیامدهای منفی تنبیه و استفاده مؤثر از آن، آموزش راهبردها (وضع قانون، بحث مستقیم، دستوردهی مستقیم و روشن، نادیده گرفتن).	ارزیابی تکالیف جلسه قبل - توانمندی پاسخ به سؤالات درباره موضوع مطرح شده
هفتم	مدیریت رفتار	ارائه تلفیقی از راهبردهای معرفی شده، آموزش برنامه‌های کاربردی (مانند پیروی از دستورات، برنامه اصلاح رفتار و نمودار رفتاری).	ارزیابی تکالیف جلسه قبل - توانمندی پاسخ به سؤالات درباره موضوع مطرح شده
هشتم	برنامه‌ریزی زودتر از موعد مقرر	آموزش والدین برای شناسایی موقعیت‌های پرخطر و به کارگیری راهبردهای معرفی شده	ارزیابی تکالیف جلسه قبل - توانمندی پاسخ به سؤالات

در آخرین جلسه پژوهش، هر دو گروه توسط مقیاس رابطه والد-کودک پیناتا مجدداً ارزیابی شدند. داده‌های به دست آمده از موقعیت‌های قبل و بعد از مداخله برای دو گروه با استفاده از تحلیل کوواریانس چند متغیری و نرم‌افزار SPSS (نسخه ۲۲) تجزیه و تحلیل شدند.

آزمایش زیر دیپلم (۴۳/۵ درصد)، دیپلم (۴۳ درصد)، فوق دیپلم (صفر درصد) و لیسانس و بالاتر (۱۳/۵ درصد) بود.

۸۶/۶۷ درصد مادران خانه‌دار و ۱۳/۳۳ درصد مادران کارمند بودند و پدران نیز ۵۰ درصد کارمند و ۵۰ درصد مشاغل آزاد داشتند.

هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش برنامه فرزندپروری مثبت بر ارتباط والدین با کودک آهسته گام بود. در این راستا در جدول ۲، شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیر پژوهش (تعامل والد-کودک) در چهار خرده مقیاس تعارض، نزدیکی، وابستگی و رابطه مثبت کلی در پیش‌آزمون و پس‌آزمون در گروه‌های آزمایش و کنترل آمده است.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی بیان‌کننده سن آزمودنی‌ها در دامنه ۲۵ - ۵۲ سال با میانگین ۴۰/۲۳ و انحراف معیار ۶/۶۳ بود و سطوح تحصیلات والدین در گروه گواه به ترتیب شامل زیر دیپلم (۳۰ درصد)، دیپلم (۴۶/۷ درصد)، فوق دیپلم (۱۶/۶ درصد)، لیسانس و بالاتر (۱۶/۷) و در گروه

جدول ۲. شاخصه‌های توصیفی متغیر رابطه والد - فرزند در افراد نمونه در گروه کنترل و آزمایش

متغیر	گروه	پیش‌آزمون		پس‌آزمون	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
نزدیکی	آزمایش	۳۰/۳۰	۵/۸۲	۳۷/۳۳	۲/۹۰
	کنترل	۲۸/۱۰	۳/۱۲	۳۰/۲۳	۳/۰۴
وابستگی	آزمایش	۲۲/۵۳	۴/۳۱	۲۱/۱۳	۴/۳۱
	کنترل	۲۱/۶۳	۲/۲۶	۲۲/۲۳	۲/۴۵
تعارض	آزمایش	۶۰/۷۰	۹/۵۱	۵۰/۳۷	۷/۸۲
	کنترل	۶۱/۲۰	۴/۱۲	۶۱/۸۳	۴/۵۸
کل	آزمایش	۹۲/۷۳	۱۶/۵۶	۱۱۴/۹۷	۱۱/۰۴
	کنترل	۸۸/۱۳	۵/۴۰	۸۸/۰۰	۶/۳۴

مفروضه‌های تحلیل کواریانس چند متغیره شامل همگنی ماتریس کواریانس (ام باکس) و همگنی واریانس‌ها (آزمون لوین) بررسی شد. همگنی ماتریس کواریانس ($P: ۰/۰۸$)، $F: ۱/۸۵۹$ ، $M: ۱۲/۶۳۷$ (Box's M) برقرار بود و همگنی واریانس‌ها هم در آلفای $۰/۰۱$ برقرار بود (نزدیکی: $۰/۵۰۲$ ، $P: ۰/۴۶۲$ ؛ وابستگی $P: ۰/۰۴۱$ ، $F: ۴/۵۸۸$ ؛ تعارض

مفروضه‌های تحلیل کواریانس چند متغیره شامل همگنی ماتریس کواریانس (ام باکس) و همگنی واریانس‌ها (آزمون لوین) بررسی شد. همگنی ماتریس کواریانس ($P: ۰/۰۸$)، $F: ۱/۸۵۹$ ، $M: ۱۲/۶۳۷$ (Box's M) برقرار بود و همگنی واریانس‌ها هم در آلفای $۰/۰۱$ برقرار بود (نزدیکی: $۰/۵۰۲$ ، $P: ۰/۴۶۲$ ؛ وابستگی $P: ۰/۰۴۱$ ، $F: ۴/۵۸۸$ ؛ تعارض

مفروضه‌های تحلیل کواریانس چند متغیره شامل همگنی ماتریس کواریانس (ام باکس) و همگنی واریانس‌ها (آزمون لوین) بررسی شد. همگنی ماتریس کواریانس ($P: ۰/۰۸$)، $F: ۱/۸۵۹$ ، $M: ۱۲/۶۳۷$ (Box's M) برقرار بود و همگنی واریانس‌ها هم در آلفای $۰/۰۱$ برقرار بود (نزدیکی: $۰/۵۰۲$ ، $P: ۰/۴۶۲$ ؛ وابستگی $P: ۰/۰۴۱$ ، $F: ۴/۵۸۸$ ؛ تعارض

جدول ۳. آزمون کولموگروف - اسمیروف برای بررسی بهنجاری بودن توزیع نمرات دو گروه

گروه	گروه	آماره درجه آزادی	کولموگروف - اسمیروف
نزدیکی	آزمایش	۰/۱۹۰	۱۵
	کنترل	۰/۱۹۱	۱۵
وابستگی	آزمایش	۰/۱۶۶	۱۵
	کنترل	۰/۱۶۴	۱۵
تعارض	آزمایش	۰/۱۹۹	۱۵
	کنترل	۰/۲۰۱	۱۵
نمره کل رابطه والد - کودک	آزمایش	۰/۱۹۲	۱۵
	کنترل	۰/۱۳۵	۱۵

جدول ۴. آماره چندگانه برای مقایسه دو گروه در مؤلفه‌های رابطه والد - کودک

نام آزمون	مقدار	F	فرضیه df	خطا df	سطح معناداری	مجذور اتا
اثر پیلایی	۰/۶۵۸	۱۶/۷۰	۳	۲۶	۰/۰۰۱	۰/۶۵۸
لامبدا و لیکز	۰/۳۴۲	۱۶/۷۰	۳	۲۶	۰/۰۰۱	۰/۶۵۸
اثر هتلینگ	۱/۹۲	۱۶/۷۰	۳	۲۶	۰/۰۰۱	۰/۶۵۸
بزرگ‌ترین ریشه خطا	۱/۹۲	۱۶/۷۰	۳	۲۶	۰/۰۰۱	۰/۶۵۸

دارد. حجم اثر مداخله آزمایشی برابر با ۰/۶۵۸ است که در حد زیاد است. برای اینکه مشخص شود در کدام مؤلفه‌ها بین دو گروه تفاوت معنا دار است، جدول اثرات بین آزمودنی به شرح زیر آمده است.

با توجه به نتایج آزمون‌های چهارگانه ارائه شده در جدول چهار (آماره هتلینگ برابر با ۱/۹۲ است که در آلفای ۰/۰۰۱ معنا دار است) حاکی از آن است که بین گروه آزمایش و کنترل حداقل در یکی از متغیرها تفاوت معنا داری وجود

جدول ۵. اثرات بین آزمودنی برای مقایسه دو گروه در مؤلفه‌های رابطه والد - کودک

شاخص منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنا داری	مجذورات انا
رابطه نزدیکی	۳۷۸/۰۷۵	۱	۳۷۸/۰۷۵	۴۲/۸۱۲	۰/۰۱	۰/۶۰۵
رابطه وابستگی	۹/۰۷۵	۱	۹/۰۷۵	۰/۷۳۷	۰/۳۹۸	۰/۰۲۶
رابطه تعارض	۹۸۶/۱۳۳	۱	۹۸۶/۱۳۳	۲۴/۰۱۹	۰/۰۰۱	۰/۴۶۲

است. در مؤلفه رابطه وابستگی، براساس جدول (۵) بین دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معنا داری وجود ندارد ($P > 0/05$).

برای مقایسه دو گروه در نمره کل رابطه والد - کودک، باید از تحلیل کواریانس یک متغیره استفاده شود؛ ولی، مفروضه همگنی رگرسیونی وجود نداشت. لذا از آزمون T برای دو گروه مستقل استفاده شد. مفروضه‌های آزمون T مستقل (شامل نرمال بودن توزیع نمرات و همگنی واریانس‌ها) در قسمت ابتدای توضیحات قسمت یافته‌ها و جدول دو آمد و این دو مفروضه برقرار است.

با توجه به جدول ۵، اثربخشی مداخله آموزشی بر دو مؤلفه رابطه نزدیکی و تعارض معنا دار است ($P < 0/01$). حجم اثر مداخله بر رابطه نزدیکی برابر با ۰/۶۰۵ است که از متوسط به بالاست. براساس جدول (۳)، میانگین رابطه نزدیکی در گروه آزمایش در پس‌آزمون (۳۷/۳۳) از میانگین رابطه نزدیکی در گروه کنترل در پس‌آزمون (۳۰/۲۳) بالاتر است. حجم اثر مداخله بر رابطه تعارض برابر با ۰/۴۶۲ که در حد متوسط است. براساس جدول (۳)، میانگین رابطه نزدیکی در گروه آزمایش در پس‌آزمون (۵۰/۳۷) از میانگین رابطه نزدیکی در گروه کنترل در پس‌آزمون (۶۱/۸۳) پایین‌تر

جدول ۶. آزمون T برای مقایسه نمره کل رابطه والد-کودک در دو گروه آزمایش و کنترل

متغیر	گروه	تعداد میانگین خطای معیار	میانگین درجه آزادی	T	معناداری	حجم اثر
آزمایش ۱۵	۱۱۴/۹۷	۲۸	۲/۸۵	۰/۰۰۱	۸/۲۰۲	۰/۷۱۲
کنترل ۱۵	۸۸/۰۰	۱/۶۴				

با توجه به جدول ۶، بین دو گروه آزمایش و کنترل در نمره کل رابطه والد-کودک تفاوت معنا دار است. حجم اثر مداخله بر نمره کل رابطه والد-کودک برابر با ۰/۷۱۲ است که از متوسط به بالاست. براساس جدول ۶، میانگین نمره کل رابطه والد-کودک در گروه آزمایش (۱۱۴/۹۷) به گونه‌ای معنا دار بالاتر از میانگین این متغیر در گروه کنترل (۸۸/۰۰) در پس‌آزمون است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش برنامه فرزندپروری مثبت به والدین دارای کودک آهسته گام، بر ارتباط والد-کودک انجام شد. یافته‌های به‌دست آمده نشان داد آموزش برنامه فرزندپروری مثبت به والدین دارای کودک آهسته گام، بر بهبود ارتباط والد-کودک مؤثر بوده

است. نتیجه فوق با نتایج پژوهش ارت، بالستر، الیور، پاسکال و ویوز^۱ (۲۰۱۳) همسو است که نشان دادند استفاده از برنامه فرزندپروری مثبت نقش مؤثری در روابط خانوادگی، مهارت‌های فرزندپروری و توانایی‌های اجتماعی کودکان دارد. همچنین پژوهش شاین (۲۰۱۳) نیز در میان والدین کودکان ناشنوا و کم شنوا نشان داد که برنامه‌های فرزندپروری برای بهبود ارتباط والد-کودک و کاهش مشکلات ارتباطی بین والدین و کودک مؤثر است. نتایج پژوهش با نتایج هولدینگ و همکاران (۲۰۱۲) نیز همسو است مبنی بر اینکه فرزندپروری مثبت باعث پیشرفت در مهارت‌های فرزند پروری، بهبود رفتاری کودک و ارتقاء رابطه والد-کودک می‌شود. مطالعه تلگن و ساندرز^۲ (۲۰۱۳) نیز نشان داد برنامه فرزندپروری مثبت در سبک زندگی، خودکارآمدی، رضایت‌مندی والدین، سازگاری والدین، روابط والدین و مراقبت از کودک مؤثر است. نتایج پژوهش با یافته‌های اصلانی و همکاران (۱۳۹۵)، ناظمیان و شمس (۱۳۹۵)، عابدی شاپور آبادی و همکاران (۱۳۹۱)، عاشوری و همکاران (۱۳۹۴)، کاکابرابی (۱۳۹۵) نیز همسو است. همچنین نتایج فراتحلیل مرتبط حاکی از آن است که برنامه فرزندپروری مثبت اثرات قابل توجهی بر رابطه والد-کودک و ارتقاء سلامت کودک، والدین و خانواده دارد (ساندرز، کربا، تلگن و دای^۳، ۲۰۱۴). نتایج یاد شده همگی مؤید اثربخشی برنامه فرزندپروری مثبت بر ارتقاء رابطه والد-کودک است.

به‌منظور تبیین یافته‌های همسو با یافته‌های پژوهش می‌توان عنوان کرد که درمان مبتنی بر آموزش برنامه فرزندپروری مثبت بر کیفیت تعامل والد-کودک اثربخشی معناداری داشته است. در این راستا و همسو با ادبیات پژوهشی، متخصصان بسیاری اذعان می‌دارند که می‌توان با آموزش، مهارت‌های ویژه‌ای را انتقال داد که کانال‌های ارتباطی میان والدین و فرزندان آن‌ها را به شکل دو طرفه باز نگهداری کرد و موجب شد اختلافات و تعارض‌های میان والدین و کودک به شکل مؤثری از میان برداشته شود و از وخیم‌تر شدن روابط میان آن‌ها جلوگیری

شود (قاسم‌زاده، ۱۳۹۳).

همچنین می‌توان گفت برنامه فرزندپروری مثبت که بر اساس رفتاردرمانگری‌های خانوادگی مبتنی بر اصول یادگیری اجتماعی بندورا پدید آمده است و پایه‌های اساسی این برنامه پنج اصل محیط ایمن و جذاب، محیط یادگیری مثبت، انضباط قاطع، انتظارات واقع‌بینانه و توجه به نقش خود به عنوان والدین بر تعامل والد با کودک در حوزه‌های نزدیکی، تعارض و روابط مثبت و کلی است (علی‌اکبری دهکردی و همکاران، ۱۳۹۳). آموزش فرزندپروری مثبت با آموزش به‌کار بردن مناسب تقویت‌کننده‌های عینی، تشویق‌کننده‌های کلامی متناسب با رفتار کودک در هر موقعیت و آموزش والدین در ایجاد فعالیت‌های سرگرم‌کننده، از حفظ حالت مراقبت دائمی والدین از کودک می‌کاهد و از این طریق سطح تنش حاصل را در روابط والد-کودک به طرز توجه‌برانگیزی کاهش می‌دهد و موجب بهبود تعامل والد-کودک می‌شود (ساندرز، ۲۰۰۳). این برنامه با آموزش مناسب به والدین برای اعمال کنترل مناسب و ایجاد رفتارهای سازنده در کودک حس خودگردانی و صلاحیت والدین را افزایش می‌دهد (ساندرز، ۲۰۰۳).

بنابراین، احتمال می‌رود که این برنامه مداخلاتی تأثیر مطلوبی بر تعامل والدین با کودک آهسته گام در حوزه‌های تعارض، نزدیکی و وابستگی و رابطه مثبت کلی داشته است. یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج پژوهشی تجربی و همکاران (۱۳۹۴) درباره برنامه فرزندپروری مثبت بر تعامل مادر-کودک در حوزه‌های نزدیکی، تعارض و رابطه مثبت کلی همخوان است؛ ولی در حوزه وابستگی نتیجه متناقض به‌دست آمد. در راستای تبیین این یافته ناهمسو با پژوهش حاضر می‌توان گفت حجم نمونه، روش نمونه‌گیری و تعداد جلسات در این پژوهش می‌تواند از علل احتمالی ناهمخوانی نتایج باشد.

همچنین در تبیین این یافته متناقض می‌توان به این نکته اشاره کرد که وابستگی از طریق پیوند جویی، تعامل و تغذیه توسط مراقب تعریف می‌شود و منظور از وابستگی ناسازگارانه، تداخلی است که در تعامل کودک با بزرگسالان و کنترل محیط ایجاد می‌شود. طبق نظر اینورث، وابستگی یک سائق اکتسابی و تقویت شده در تعامل والد-کودک است؛ بنابراین، یکی از دلایل افزایش وابستگی در رابطه والد

1. Orte, Ballester, Oliver, Pascual and Vives
2. Tellegen and Sanders
3. Sanders, Kirby, Tellegen and Day

می‌تواند در راستای تأیید اثربخشی مداخلات مبتنی بر آموزش تعاملی، در طرح‌ریزی مداخلات پیشگیرانه و درمانی در حیطهٔ کودکان با نیازهای خاص حائز اهمیت باشد.

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر، محدود کردن مقطع تحصیلی، محدودیت در حجم نمونه و همچنین استفاده از روش‌های شبه آزمایشی بود که باید در تعمیم نتایج احتیاط شود.

با توجه به نتایج پژوهش، به نظر می‌رسد، برنامهٔ آموزش فرزندپروری بر تعاملات والد-کودک والدین کودکان آهسته گام مؤثر بوده است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود مشاوران مدارس و روان‌شناسان استفاده از برنامهٔ فرزندپروری مثبت را جزء برنامه‌های اصلی آموزش والدین قرار دهند.

منابع

افروز، غلامعلی (۱۳۸۸). *مقدمه‌ای بر روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی*. چاپ بیست و ششم. تهران: دانشگاه تهران. آبنکار، سمیه، عاشوری، محمد و افروز، غلامعلی (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش رفتارهای اجتماعی بر بهبود مهارت‌های اجتماعی نوجوانان کم‌توان ذهنی. *فصلنامه توانبخشی*. ۱۴(۳): ۳۱-۴۰.

ابارشی، زهره، طهماسیان، کارینه، مظاهری، محمدعلی و پناغی، لیلی (۱۳۸۸). تأثیر آموزش برنامه‌ارتقای روانی اجتماعی کودک از طریق بهبود تعامل مادر کودک بر خود اترمندی والدگری و رابطه مادر و کودک زیر سه سال. *فصلنامه پژوهش در سلامت روان‌شناختی*. ۳(۳): ۵۰-۵۲.

اصلانی، خالد، وارسته، مرضیه و امان‌الهی، عباس (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش برنامه والدگری مثبت بر کیفیت تعامل والد-کودک. *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۷(۲۸): ۱۸۳-۲۰۱.

به پژوه، احمد (۱۳۹۱). *خانواده و کودکان با نیازهای ویژه*. تهران: آوای نور.

بهرام آبادی، مهدی، زهراکار، کیانوش، بروجرودی، هانیه و محمدی فر، محمدعلی (۱۳۹۲). اثربخشی برنامهٔ بهبود اثربخشی ارتباط بر کیفیت رابطه والد-فرزندی در نوجوانان دختر خانواده‌های تک والدینی مادر سرپرست، *مجله روان‌شناسی بالینی*. ۵(۲): ۱۴-۱۶.

تجربیشی، معصومه و عاشوری، محمد و افروز، غلامعلی و ارجمندنیا، علی‌اکبر و غباری بناب، باقر (۱۳۹۴). اثربخشی

کودک را می‌توان به حمایت والدین از کودک نسبت داد (سروف و فوکس^۱، ۱۹۸۳). با توجه به این نکته که گروه کودکان آهسته گام در زمینهٔ مهارت‌های خودیاری مشکل دارند، به تنهایی قادر به انجام برنامه‌های خود نیستند و به طور مداوم، نیازمند همراهی و حمایت والدین هستند. می‌توان یکی از دلایل افزایش میزان وابستگی را مشکلات اخیر در نظر گرفت.

مدت مداخله را می‌توان یکی از دلایل احتمالی دیگر در نظر گرفت. با افزایش تعداد جلسات می‌توان روند اجرای برنامه توسط والدین را بررسی و به رفع مشکلات آن‌ها در حین اجرای روش اقدام کرد. همچنین تغییرات ایجاد شده در والدین و کودکان مشهودتر می‌شود؛ چون این امکان وجود دارد که مداخله کوتاه‌مدت نتواند فرصت مشاهده و ارزیابی کامل از تغییر نشانه‌ها را فراهم کند و از آنجایی که به نظر می‌رسد، ایجاد رابطهٔ وابستگی والد با فرزندان نیازمند تجربه‌های متعدد و سپری شدن زمان نسبتاً طولانی است؛ می‌توان انتظار داشت که این مؤلفه پس از زمان نسبتاً طولانی تغییر کند. لذا احتمالاً به دلیل اینکه والدین در این پژوهش در طی دورهٔ آموزشی و بعد از آن، این زمان را به گونهٔ کافی در اختیار نداشتند؛ تفاوت آماری معناداری در ارتباط با وابستگی والد - فرزند مشاهده نشد. البته این تبیین تا چه اندازه منطقی باشد، انجام پژوهش‌های پیش‌تری را در این خصوص می‌طلبد.

با توجه به مطالعات و پژوهش‌های موجود، بسیاری از یافته‌ها حاکی از آن است که مشکلات کودکان با نیازهای ویژه نتیجهٔ شکست والدین در مدیریت رفتار در خانواده و اعمال قوانین والدینی است، والدین این کودکان با استفاده از قوانین بی‌ثبات، نظارت کم و سهل‌گیرانه و حمایت‌های بیش از حد، رفتار کودک را به سمت مشکلات بیشتری از جمله پرخاشگری، نافرمانی و لجبازی سوق می‌دهد. از آنجایی که والدین معمولاً بیشترین تماس را با کودکان خود دارند و از موقعیت بهتری به منظور تغییر رفتارهای ناسازگارانه کودکان و افزایش رفتارهای مثبت در آن‌ها بهره‌مند هستند. بنابراین، متخصصان بسیاری بر آموزش الگوهای ارتباطی به والدین و مداخلات خانواده-محور تأکید دارند. یافته‌های این مطالعه

- childhood and infant psychology*, 7, 1-18.
- Khamis, V. (2007). Psychological distress among parents of children with mental retardation in the United Arab Emirates. *Social Science and Medicine*, 64, 850-857.
- Khodabakhshi koolae, A., Shahi, A. Navidian, A and Mosalanejad, L. (2015). The effect of positive parenting program training in mother of children with attention deficit hyperactivity on reducing children's externalizing behavior problem. *Journal of fundamentals of mental health*, 3, 135-134
- Pianta, R. C. (1994). Patterns of relationships between children and kindergarten teacher. *Journal of school psychology*, 32, 15-32.
- Houlding, C., Schmidt, F, Stern, S, B., Jamieson, J. and Borg, D. (2012). The perceived impact and acceptability of Group Triple P Positive Parenting Program for Aboriginal parents in Canada. *Children and Youth Services Review*, 34(12): 2287-2294.
- Orte, C., Ballester, L.1., Oliver, J. L., Pascual, B. and Vives, M. (2013). Preventing Child Abuse: Result From the Application of a Positive Parenting Program. *Program Procedia- Social and Behavioral Sciences*, 84(9): 259-263.
- Sheperis, C., Sheperis, D. Monceaux, A. Davis, J.R. and Lopez. B. (2015). Parent- child interaction therapy for children with special needs. *The professional counselor*, 2, 248-260.
- Sanders, M. R. (2012). Development, evaluation, and multinational dissemination of the triple p- positive parenting program. *Annual review of clinical psychology*, 8, 345-379
- Sanders, M. R. (2003a). The translation of evidence- based parenting program in to regular clinical services. *Australian e- journal for the Advancement of Mental Health*, 2(3): 1-4.
- Sanders, M. R. (2003b). Triple p-positive parenting program: A population Approach to promoting competent parenting. *Australian e-Journal for the Advancement of Mental Health*, 2(3): 127-143.
- Sanders, M. R., Kirby, J. N., Tellegen, C. L. and Day, J. J. (2014). The Triple p-positive parenting program: A systematic review and meta-analysis of a multi-level system of parenting support. *Clinical Psychology Review*, 34(4): 337-357.
- Sanders, M. R. (2003). Triple p-positive parenting program: A population Approach to promoting competent parenting. *Australian e-Journal for the Advancement of Mental Health*, 2(3): 127-143.
- Sanders, M. R., Pidgeon, A. M., Gravesock, F., Connors, D., Brown, S. and Young, R.W. (2004). Dose parental attitudinal retraining and anger management enhance the effects of Triple p-positive parenting program with parents at risk of child maltreatment. *Behavior Therapy*, 35(3): 513-533.
- Sanders, M.R. and Prinze, R.J.(2003). The Triple p system, A multi- level evidence-baed, population approach to آموزش برنامه والدگری مثبت بر تعامل والد با کودک آهسته گام، فصلنامه توانبخشی، ۲(۱۶): ۱۳۱-۱۲۹.
- عابدی شاپورآبادی، ثریا و پور محمد رضایی تجربی، معصومه و محمدخانی، پروانه و فرضی، مرجان(۱۳۹۱). اثربخشی برنامه گروهی والدگری مثبت بر رابطه مادر- کودک در کودکان با اختلال بیش فعالی / نارسایی توجه. *روانشناسی بالینی*، ۴(۳): ۷۳-۶۲.
- علی اکبری دهکردی، مهناز، کاکو جویبازی، علی اصغر، محتشمی، طیبه و یکه پور، نرگس (۱۳۹۳). اثربخشی برنامه فرزندپروری مثبت بر تنیدگی والدینی در مادران با آسیب دیده شنوایی، فصلنامه شنوایی سنجی، ۶(۲۳): ۷۳-۶۳.
- عاشوری، محمد، افروز، غلامعلی، ارجمندنیا، علی اکبر، پورمحمدرضایی تجربی، معصومه و غبازی بنسب، باقر(۱۳۹۴). اثربخشی برنامه والدگری مثبت بر خودکارآمدی والدینی و تعامل مادر-کودک دارای کم توانی ذهنی. *مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ۵(۳۳): ۴۸۹-۵۰۰*.
- قاسم زاده، سوگند (۱۳۹۳). طراحی برنامه بهبودبخشی روابط درون خانوادگی و ارزیابی اثربخشی آن بر رضامندی زوجیت، مهارت های فرزندپروری والدین و نشانه های بالینی اختلال رفتاری فرزندان. رساله جهت اخذ دکترای روان شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه تهران.
- کاکابرای، کیوان (۱۳۹۵). تأثیر آموزش حل مسأله خانواده محور بر ارتباط والد- کودک دانش آموزان دوره ابتدایی. *فصلنامه فرهنگ مشاوره*، ۷(۲۶): ۱-۱۵۰.
- محمد خان کرمانشاهی، سیما و ونکی، زهره و احمدی، فضل الله و آزاد فلاح، پرویز و کاظم نژاد، انوشیروان(۱۳۸۵). تجربیات مادران از داشتن کودک عقب مانده ذهنی. *مجله توانبخشی*، ۲۱(۳): ۲۶-۳۳.
- ناظمیان، عباس و شمس، زهرا(۱۳۹۵). بررسی اثربخشی آموزش گروهی والدین مبتنی بر فرزندپروری مثبت با توجه به فرهنگ ایرانی بر پیشرفت تحصیلی و ارتباط مادر- کودک. *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد*، ۵۹(۲): ۱۲۴-۱۳۱.
- Blacher, J. and Baker, B. L. (2007). Positive Impact of Intellectual Deficiency on families. *American Journal of Mental Retardation*, 112(5): 330-348.
- Damodaran, K, D.(2013). Parent child interaction therapy: child well-being through an effective parenting intervention, *the journal of positive psychology*, 3, 1-12
- Driscoll, K., Pianta, R.C.(2011). Mother s and father s perceptions of conflict and closeness in parent-child relationships during early childhood. *Journal of early*

- Tellegan, C. L. and Sanders, M. (2013). Stepping stones Triple p-positive parenting program for children with disability: n systematic Review and Meta-analysis. *Research in developmental Disabilities*, 1556-1571.
- Turner, K.M.T., Markie- Dadds, C. and Sanders, M. R. (2002). Facilitator's manual for Group Triple P (rev. ed). Brisbane, QLD, *Australia: Triple P International*.
- Wakimizu, R., Fujioko, H, Lejima, A. and Miyamoto, S. (2014). Effectiveness of the group- based positive parenting program with development disabilities: a longitudinal study. *Journal of psychological abnormalities in childrn*, 1, 1-9.
- the prevention and treatment of behavioral and emotional problems in children. *Journal the Register Report*, 31,42-46.
- Shinn, M.M.(2013). Parent-child interaction therapy with a deaf and hard of hearing family. *Clin Case Stud*, 12(6): 411-427.
- Sanders, M.R., (2005). Triple P: A multi-level system of parenting intervention: Workshop participant notes. *The University of Queensland, Brisbane, Australia*.
- Sanders, M.R. and McFarland, M.C. (2006). Treatment of depressed mothers with disordered children: Acontrolled Elevation. *Cog. Behave Therapy*, 31(1): 86-112.
- Srofe, AL, Fox, NE, Pancake VR. (1983) Attachment and dependency in developmental Perspective. *Child dev*. 54(6): 1615-1627.

Effectiveness of positive parenting program training on relationship between parents and their slow-paced child

Fatemeh Taheri¹

Ali Akbar Arjmandnia*²

Gholam Ali Afrooz³

Abstract

Aim. The study is aimed at investigating the effectiveness of positive parenting program training on the relationship between parents and their slow-paced child. **Method.** The present study is a quasi-experimental research with pretest-posttest design and control group. The statistical population included all parents of slow-paced students who were studying in elementary school in Semnan city in 2014-2015 academic year and the study sample included 30 couples who were parents of slow-paced students selected by available sampling method from Semnan schools and were randomly placed into two experiment & control groups. The experiment group participated in 8 training sessions of positive parenting program (one 90-minutes session a week), while no training was provided to the control group. The tools used in this study were a demographic questionnaire and Pianta's Parent-Child Relationship Scale (1994). Data were analyzed by Multivariate Analysis of Covariance (MANCOVA) using SPSS22. **Results.** Findings indicated a significant difference between pre-test and post-test scores in experiment group ($p < 0.05$). **Conclusion:** It can be concluded that positive parenting program improves the relationships between the parents and slow-paced child.

Keywords

Parent-Child Interaction, Positive Parenting Program, slow-paced child.

1. M.A. in Psychology and Education of Exceptional Children, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran, Tehran, Iran.

2. Corresponding Author: Associate Professor, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran, Tehran, Iran. arjmandnia@ut.ac.ir

3. Distinguished Professor, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran, Tehran, Iran.